

قلب مهر شده یعنی چه؛ چرا و چگونه قلب انسان مهر می‌شود؟

چرا قلب مهر شده نمی‌تواند نور کسب کند؟

قلب آغاز کننده و مدیر تمام حرکت‌های ماست. تعلقات، آرزوها، استعدادها، خوشی و ناخوشی و حتی فلاکت و گمراهی همه و همه ریشه در قلب ما دارد؛ اگر دریچهٔ قلبمان به روی نور و هدایت باز باشد، در مسیر سعادت قرار می‌گیریم و اگر دچار غفلت از قلب شویم، قلب مهر شده خواهیم داشت. قلب مهر شده در واقع به بیماری‌ای آلوده است که هرگز نمی‌تواند نوری را جذب خود و یا منعکس کند، درست مثل یک آینه غبار گرفته که نسبت به تابش نور هیچ بازتابی ندارد. قلب ما، شبیه یک خانه است که باید به دستان خودمان ساخته شود و اگر قفلی بر آن زده شود تنها توسط خود ما گشوده خواهد شد.

قلب تنها دارایی جاودان ما و مرکز تأمین آرامش و زندگی‌مان است که خداوند این ابزار و نیروی فوق‌العاده را برای شناخت و کسب معرفت در اختیارمان قرار داده است؛ پس چرا تبدیل به قلب مهر شده می‌شود؟ چگونه مخاطب اصلی خود را فراموش می‌کند؟ به چه علت معشوق‌های پایینی ما را از اله واقعی‌مان دور می‌کنند؟ اینها سؤالاتی است که در این نوشتار قصد داریم به آنها پاسخ دهیم.

مُهر شدن قلب، نوعی بیماری است که ابتدا به آن، طبیعت فکری و روحی ما را تغییر می‌دهد و به سبب آن حالت و طبیعتی پدید می‌آید که دیگر نمی‌توان حقایق عقلی و فوق عقلی را درست تشخیص داد. تنها بخشی که در وجود ما گنجایش بی‌نهایت را دارد، قلب ما است و هر قدر محبوب و معشوق اصلی به قلب ما ورود کند، حجم شادی‌هایمان افزایش می‌یابد و به هر میزانی که از ورود او جلوگیری شود، هر ثروت دیگری هم داشته باشیم، هیچ تأثیری برای رسیدنمان به آرامش ندارد.

چگونه قلب ما به قلب مهر شده تبدیل می‌شود؟

در درس‌های گذشته به حیات قلب، حرکت با قلب، معشوق اصلی قلب و قلب بیمار پرداختیم. دانستیم که قلب همان روح یا جان و نفس ما است که درک می‌کند، می‌اندیشد، عشق می‌ورزد، تصمیم می‌گیرد، دوستی و دشمنی می‌کند و اگر براساس ارزش‌های حقیقی و معشوق‌های اصلی خود تنظیم نشود، توان کافی برای فرماندهی بر دیگر ابعاد وجودی ما را نخواهد داشت.

همچنین گفتیم که یک قلب بیمار از رسیدن به جایگاه اصلی‌اش و پیوند با [تنها اله انسان](#) باز می‌ماند. در نتیجه بخش فوق عقل ما توانایی و استعدادش را برای کسب قابلیت‌ها و شایستگی‌ها و سعادت اخروی از دست می‌دهد. قلب مهم‌ترین بخش وجود ما و [قوی‌ترین ابزار تشخیص خوب و بد](#) از هم است، دیگر قوا هم تحت حمایت قلب هستند. اگر قلب مورد کم‌توجهی قرار بگیرد، مرحله به مرحله از کمالات و رشد محروم‌تر و محدودتر می‌شود. تا جایی که آفات و حجاب‌هایی بر ما چیره شده و قدرت درک و معرفت از ما گرفته می‌شود.

مراحل مهر خوردن قلب این گونه است که در ابتدا قلبمان وارد مرحله زنگار می‌شود^۱، سپس پرده بر آن می‌افتد^۲، و به مرحله انحراف می‌رسد^۳، بعد از آن قفل‌های محکم بر آن زده می‌شود^۴ و در محفظه‌ای مهر و موم می‌شود^۵.

پس قلب می‌تواند با وجود موانعی که به وسیله خود ما شکل می‌گیرند به بیماری قلب مهر شده دچار شود. در این صورت قلب ما با مشغول شدن به معشوق‌های پایینی معشوق حقیقی خود را فراموش می‌کند. بطری شیشه‌ای را تصور کنید که در آنرا بسته‌ایم و به دریا انداخته‌ایم. این بطری حتی اگر در اقیانوسی هم رها

۱. انعام، ۲۵.

۲. صف، ۵.

۳. مطففین، ۱۴.

۴. محمد، ۲۴.

۵. نحل، ۱۰۶.

شود، چون مسیر ورود آب به درونش مسدود شده قطره‌ای آب به آن رسوخ نمی‌کند. قلب ما نیز همین‌طور است؛ اگر قفلی بر آن زده باشیم و راه نفوذ کمالات را بر آن ببندیم، این بیماری او را از انس با زوج و اله خود محروم می‌کند؛ بنابراین قلب با تمام عظمت و بزرگی‌اش با غفلت آلوده می‌شود و به صیقل کاری مداوم نیاز دارد، تا از انبوه آلودگی‌ها در امان بماند و به قلب مهر شده تبدیل نشود. اگر قلب که پادشاه و فرمانده بدن است، به قلب مهر شده تبدیل شود دیگر ابعاد وجودی ما هم به فساد و تباهی کشیده خواهند شد.

چرا قلب مخاطب اصلی خود را فراموش می‌کند؟

پیشتر به این موضوع پرداخته بودیم که ساختار نفس ما قوای پنجگانه‌ای به نام حس، خیال، وهم، عقل و فوق‌عقل دارد. هر کدام از این قوا نیازهایی دارند و برای رفع نیازها و خواسته‌هایشان باید به مطلوب یا معشوق خود برسند. قلب ما هم‌سنگ خدا و از جنس اوست و در سرشت خود عاشق آن کمال مطلق است. عشق به بی‌نهایت سرمایه حقیقی و جاویدان ما است، دارایی‌ای که بزرگترین پشتیبان و حامی ما خواهد بود.

حب و دلبستگی به خدا طلبی است که قلب در صورت سلامت و تغذیه درست در بخش فوق‌عقل به آن تمایل پیدا می‌کند. به همین دلیل در فرصت محدود عمر دنیا باید تلاش کنیم تا با مخاطب حقیقی‌مان ارتباط برقرار کنیم. اما یکی از موانع و حجاب‌هایی که سبب عدم تخاطب ما با اله اصلی وجودمان می‌شود، علاقه به دنیا و پرداختن به همه ابعاد وجودی غیر از بخش فوق‌عقل است.

وقتی تمام وقت خود را صرف معشوق‌های کم ارزش و پایینی می‌کنیم، از خلوت با مخاطب اصلی خود گریزان می‌شویم. از راز و نیاز و مناجات با او لذت نمی‌بریم و هیچ‌وقت به آرامش و نشاط نمی‌رسیم. در چنین شرایطی اگر با تنها مخاطب حقیقی خود، ارتباط برقرار نکنیم؛ راه برون رفت از مشکلات را بر خود

بسته و نمی‌توانیم استعانت و کمکی کسب کنیم؛ همانطور که ایست قلبی باعث مرگ جسمانی ما می‌شود، قلب مهر شده هم مرحله‌ای از مرگ روحانی قلب است که با دور ماندن از معشوق اصلی رخ می‌دهد.

در این درس به بررسی بیماری قلب مهر شده پرداختیم و دانستیم که نور و کمالات تنها از طریق قلب ما کسب می‌شود. گفتیم که اگر قلب نتواند با مخاطب اصلی خود ارتباط برقرار کند، بزرگترین سرمایه و حامی خود را از دست می‌دهد.

شما چه قدر نگران ارتباط با مخاطب اصلی خود هستید؟ دیدگاهتان را از طریق بخش نظرات با ما در میان بگذارید.